



موسسه آموزش عالی رسام
غیردولتی - غیرانتفاعی

معرفت

سال دوم شماره چهار اردیبهشت ۹۸



- نام گذاری روز معلم
- عملیات مرصاد
- معرفی کتاب



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فهرست مطالب

۳ سخن سردبیر
۴ نام گذاری روز معلم
۶ عملیات مرصاد
۷ معرفی کتاب



موسسه آموزش عالی رسام
غیردولتی - غیرانتفاعی



نشریه فرهنگی معرفت با حمایت های
معاونت دانشجویی _ فرهنگی دانشگاه رسام
منتشر میشود.

طراح و صفحه آرا: غزاله فرهنگ

ارتباط با ما:

rasamuniversity.info@gmail.com

www.rasam.ac.ir

سردبیر سخن

به لطف پروردگار و تلاش همکاران عزیز موجبات
تهیه ی شماره ی چهارم نشریه فرهنگی نیز
فراهم شد. در این شماره سعی ما در بخش ارائه
محتوا بیشتر بر این بود که اطلاعاتی کاربردی
و مفید را در اختیار شما عزیزان قرار دهیم.
که ترجیحا کمتر به آن پرداخته شده و یا
حتی یادآوری آن ها نیز مفید و مهم
باشد.

نام‌گذاری روز معلم

به مناسبت روز معلم و شهادت استاد مطهری

ارزش و مقام معلم

شرافت و مرتبت معلم زمانی اهمیت دارد که بتواند شان خداوند و پیامبران را در وجود خود محقق سازد و پیوند انسان به هدف متعالی خلقت یعنی عبادت را برقرار سازد. لذا در این تعریف شهید مرتضی مطهری یکی از آن معلمان راستین است که اولاً با نگاه ترکیبی به همه معارف بشری نظر می‌کند و ثانیاً تمامی تلاش‌های علمی و عملی را مقدمه‌ای برای عبادت می‌داند و در این راه به مرحله سوم دینداری راه می‌یابد و با شهادت، عبادت عملی و علمی خود را کامل می‌سازد. خداوند را می‌خوانیم که او را با سالار و سرور شهیدان امام حسین (ع) محشور سازد.



روز ۱۲ اردیبهشت در تقویم جمهوری اسلامی ایران، روز معلم نامگذاری شده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شهادت استاد مرتضی مطهری در روز ۱۲ اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۸ توسط گروه فرقان، این روز به عنوان روز معلم نامگذاری شد.

استاد مطهری در روشنگری اقشار باسواد به ویژه قشر فرهنگی جامعه قدم‌های اساسی برداشته بود و آثار عمیق شهید در احیای فکر دینی اصیل و بی‌پیرایه و منطبق با نیاز روز جامعه در حال گذار ما بسیار مؤثر بوده است. نقش کلیدی معلمان به عنوان مجریان آموزش عمومی و الگوهای اولیه دانش آموزان بسیار مهم جلوه می‌کند. چرا که معلمان جامعه، انسان سازان نسل بعدی‌اند، لذا نقش آنان به گفته حضرت امام خمینی (ره) همچون نقش انبیا است برای مردم.

از سوی یونسکو، نهاد فرهنگی سازمان ملل متحد، ۵ اکتبر روز جهانی معلم نامگذاری شده است. بیش از ۱۰۰ کشور جهان، از جمله ایران، در جریان تصمیم‌گیری برای نامگذاری روز جهانی معلم حضور داشته و هدف از آن توجه بیشتر نسبت به وضعیت معاش معلمان و کیفیت تدریس است.

همه ساله و در چنین روزی در کشورهای مختلف جهان از مقام و نقش معلمان در جامعه تجلیل می‌شود. جوامع پیشرفته جهان اهمیت آموزش عمومی را به عنوان یکی از مهم‌ترین و شاید تنهاترین عامل توسعه اجتماعی دریافته‌اند و سرمایه‌گذاری‌های عظیم و درازمدتی را روی آن انجام داده‌اند.

هنر معلمی:

معلمی عشق است. معلمی هنر آموختن است، آموختن دانش و مهارت های زندگی به فرزندان این کشور. معلم سازنده نسل های آینده هر کشوری می باشد. این شغل یکی از مهم ترین و ارزشمند ترین مشاغل در دنیا به حساب می آید. معلم باید زمان زیادی از وقت خود را با بچه ها گذرانده، اشتیاق زیادی به آموزش داشته و از مهارت های ارتباطی خوبی برخوردار باشد. او باید صبور و خوش اخلاق بوده و روابط خوب و نزدیکی با بچه ها و والدین آنها برقرار کند. شغل معلمی یکی از سخت ترین کارها می باشد. معلم با دانش آموزان مختلف که هر کدام فرهنگ، رفتار، استعداد و توان یادگیری متفاوتی دارند، سر و کار داشته و استرس های زیادی را باید تحمل کند. او همزمان کارهای زیادی را باید انجام دهد: تدریس، کنترل و حفظ آرامش دانش آموزان، مشاوره، ایجاد ارتباط نزدیک و دوستانه با دانش آموزان به خصوص دانش آموزان کم انگیزه و... کار معلمی فقط یک شغل نیست زیرا با روح، فکر و ذهن انسان ها در ارتباط است. معلم باید مسائل و مشکلات مالی، خانوادگی، عاطفی و ... خود را کاملاً کنار گذاشته و با ظاهر و روحیه ای مناسب وارد کلاس درس شود. او نباید اجازه دهد این موارد، ذره ای روی کیفیت کار او در کلاس تاثیر منفی بگذارد. یک ویژگی مهم و بنیادی در هر معلمی، به روز بودن و همگامی با تغییرات تکنولوژی، فرهنگی، اجتماعی و ... می باشد. معلم باید با آخرین روش های آموزشی دنیا آشنا بوده و در حد توان آنها را بکار گیرد. او باید سعی کند دروس مختلف را به صورت کاربردی به دانش آموزان آموزش دهد. متأسفانه در کشور ما این امر بسیار ضعیف است.

سیستم آموزشی کشور نیاز به یک تغییر بنیادین دارد و باید خود را از روش های سنتی موجود جدا کند تا بتواند پاسخگوی مناسبی برای نسل امروزی باشد. دانش آموزان فعلی کشور نسبت به چندین سال قبل تغییرات زیادی از لحاظ بهره هوشی، استعداد و توانایی، رفتار و... کرده اند اما متأسفانه بخش آموزش متناسب با آنها تغییر نکرده است.

معلمی شغل و حرفه نیست، بلکه ذوق و هنر توانمندی است معلمی در قرآن به عنوان جلوه ای از قدرت لایزال الهی نخست ویژه ذات مقدس خداوند تبارک و تعالی است. در نخستین آیات قرآن که بر قلب مبارک پیغمبر اکرم (ص) نازل شد، به این هنر خداوند اشاره شده است:

اقرا باسم ربك الذی خلق، خلق الانسان من علق، اقرا و ربك الاكرم، الذی علم بالقلم، علم الانسان ما لم يعلم. (علق: ۱-۵)

بخوان به نام پروردگارت که جهانیان را آفرید. انسان را از خون بسته سرشت بخوان! و پروردگارت کریم ترین است همان که آموخت با قلم، آموخت به انسان آنچه را که نمی دانست. در این آیات خداوند، خود را «معلم» می خواند و جالب این که معلم بودن خود را بعد از آفرینش پیچیده ترین و بهترین شاهکار خلقت، یعنی انسان آورده است. مقام معلم بودن خدا، بعد از آفرینش قرارداد. نوعی انسانی را که هیچ نمی دانست، به وسیله قلم آموزش داد که این از اوج خلاقیت و هنر شگفت خداوند در امر آفرینش حکایت دارد:

چو قاف قدرتش دم بر قلم زد هزاران نقش بر لوح عدم زد از این رو، می توان گفت که هنر شگفت معلمی از آن خداوند عالم است. شهید ثانی رحمت الله درباره هنر معلمی خداوند می فرماید:

خداوند از آن جهت به وصف (اکرمیت) و نامحدود بودن کرامتش، توصیف شد که علم و دانش را به بشر ارزانی داشته است. اگر هر مزیت دیگری، جز علم و دانش، معیار فضیلت به شمار می رفت، شایسته بود همان مزیت با وصف (اکرمیت) در ضمن این آیات همراه و هم پا گردد و آن مزیت به عنوان معیار کرامت نامحدود خداوند به شمار آید. کرامت الهی در این آیات با تعبیر «الاکرام» بیان شده است. چنین تعبیری می فهماند که عالی ترین نوع کرامت پروردگار نسبت به انسان با والاترین مقام و جایگاه او، یعنی علم و دانش هم تراز است.



مرصاد عملیات

را زیر پا گذاشته، دوباره در جنوب و حوالی خرمشهر حمله کردند تا راه نفوذ برای ارتش مجاهدین خلق باز شود و حتی توانستند تا آستانه تصرف آن پیش روند.

به این ترتیب نیروهای دفاعی ایران در جبهه‌های جنوبی مستقر شدند. در این زمان سازمان مجاهدین عملیاتی با نام فروغ جاویدان را از مرزهای غرب ایران آغاز کرد.

عملیات مرصاد در پاسخ به عملیاتی به نام فروغ جاویدان انجام گردید. عملیات فروغ جاویدان توسط نیروهای مجاهدین خلق مستقر در عراق طراحی و اجرا و از پشتیبانی کامل دولت وقت عراق برخوردار بود که با هدف فتح تهران طی یک برنامه زمانبندی شده ۳۳ ساعته طراحی و تدارک یافته بود. لازم به ذکر است که پیش از عملیات فروغ جاویدان نیروهای ارتش آزادی بخش دو عملیات دیگر را در مرزهای ایران به نام‌های آفتاب و چلچراغ نیز انجام داده بودند. عملیات آفتاب در نیمه شب هفتم فروردین ۱۳۶۷ در مرزهای جنوبی کشور و در چهل کیلومتری شهر شوش و عملیات چلچراغ نیز در ساعت ۱۲ شب ۲۸ خرداد ۱۳۶۷ و در غرب کشور انجام شد که این دو عملیات برای منافقین هیچگونه موفقیتی را در پی نداشت.

عملیات مرصاد آخرین عملیات رزمی جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی هشت ساله است، با این تفاوت این بار نیروهای دشمن از جنس عراقی نبودند، بلکه ایرانیانی بودند که در قالب نیروهای شبه نظامی موسوم به ارتش آزادی بخش ملی، تحت رهبری مجاهدین خلق، با حمایت صدام به مرزهای ایران حمله کرده بودند. عملیات مرصاد در پاسخ به عملیاتی به نام فروغ جاویدان انجام گردید.

عملیات مرصاد یا عملیات فروغ جاویدان (ارتش ایران به این عملیات مرصاد و مجاهدین خلق آن را فروغ جاویدان می گویند) نام نبردی است که توسط سازمان مجاهدین خلق طرح ریزی شد و میان جمهوری اسلامی ایران و سازمان مجاهدین خلق در اواخر جنگ ایران و عراق، در سال ۱۳۶۷ در گرفت. فرماندهی نیروهای ایرانی در این عملیات بر عهده صیاد شیرازی و فرماندهی مجاهدین خلق در این ماجرا مسعود رجوی بود. پس از چند روز درگیری در نهایت نیروهای ارتش ایران بر سازمان مجاهدین خلق پیروز شدند. تعداد زیادی در این نبرد کشته شدند.



در تیر ماه ۶۷ صدام حسین طی یک سخنرانی تلویزیونی اعلام کرد: « بعد از مدتی خواهید دید که چگونه مجاهدین خلق به اعماق خاک خودشان نفوذ خواهند کرد و همین‌طور پیوستن مردم ایران به صفوف آن‌ها را خواهید دید.» به این ترتیب شش روز پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت توسط ایران، نیروهای عراقی توافقات این قطعنامه

معرفی کتاب

کتاب هنر عشق ورزیدن:

در این کتاب اریک فروم اشاره می‌کند که بحث بر ارزش‌گذاری و بی‌اهمیت شمردن رابطه‌های متنوع انسانی نیست. گستره‌ای از تمایلات و کشش‌ها یک زن و مرد را به هم نزدیک می‌کند، اما تنها یکی از آنها عشق نام دارد. دوستی، محبت، مهرورزی، جاذبه‌های روحانی، جاذبه‌های جسمانی و ... هزار جور نام دیگر را می‌توان برای هر یک از این کشش‌ها پیدا کرد اما یکی و تنها یکی عشق نام دارد.



آنچه که در کتاب هنر عشق ورزیدن نشان داده خواهد شد، این است که عشق احساسی نیست که هرکس، صرف نظر از مرحله بلوغ خود، بتواند به آسانی بدان گرفتار شود. اریک فروم در پیش‌گفتار کتاب هنر عشق ورزیدن تأکید می‌کند که این کتاب دستورالعمل ساده‌ای برای عشق ورزیدن نیست و در خلال کتاب، عشق ورزیدن را به عنوان یک هنر معرفی می‌کند. اریک فروم در کتاب هنر عشق ورزیدن تلاش می‌کند که خواننده را متقاعد کند که تمام کوشش‌های او برای عشق ورزیدن محکوم به شکست است مگر این‌که: با جد برای تکامل همه‌جانبه شخصیت خود بکوشد تا جایی که به جهت بینی سازنده‌ای برسد.

در قسمتی از پیش‌گفتار کتاب آمده است:

این کتاب می‌خواهد اثبات کند که اگر آدمی همسایه‌اش را دوست نداشته باشد و از فروتنی واقعی، شهامت، ایمان و انضباط بی‌بهره باشد، از عشق فردی خرسند نخواهد شد. در فرهنگ‌هایی که این صفات نادرند، کسب استعداد مهر ورزیدن نیز بناچار در حکم موفقیتی نادر خواهد بود.

در ادامه نویسنده چنین می‌گوید: برای اجتناب از پیچیدگی‌های غیر لازم، من سعی کرده‌ام که مسائل را، تا آنجا که ممکن است، با زبانی غیرفنی مطرح کنم؛ و نیز به همین دلیل به آثار و مآخذ مربوط به عشق کمتر اشاره کرده‌ام و در این کار امساک ورزیده‌ام.

اریک فروم در کتاب این موضوع را مطرح می‌کند که عشق با دو چیز شناخته می‌شود:

عمق ارتباط متقابل و شادی

و در ادامه می‌گوید که هر گاه رابطه یا حسی را دیدیم که از این دو خالی است، نام عشق را باید از آن باز پس بگیریم.

عشق ورزیدن این است که پس از بررسی مفصل عشق از جنبه نظری، به تمرین عشق پرداخته شده است. اما اشتباه نکنید. اریک فروم فرمول یا راهنمایی برای عشق ورزیدن ارائه نمی‌کند. اریک فروم در تمرین عشق، خود واقعی انسان را هدف قرار دهد و به تکامل او کمک می‌کند.

درباره کتاب هنر عشق ورزیدن
عشق مرز ندارد عزیز من. هیچ وقت نداشته است. عشق محدوده تعیین نمی‌کند. من می‌توانم تمام مردم دنیا را به صرف یک لیوان چای دعوت کنم. می‌توانم با یک غریبه ساعت‌ها گفتگو کنم و حتی عاشق نحوه پلک زدنش بشوم.

می‌توانم بدون هیچ دلیلی دنبال گریه‌ای در خیابان راه بروم و لذیذترین غذای دنیا را به پایش بریزم.

می‌توانم عاشق یک ولگرد کارتن خواب بشوم و در وصفش یک غزل بنویسم. برای آدمی که در اتوبوس کنارم می‌نشیند شعری بخوانم. زیر سیگار هر انسان ناراحتی فندک بگیرم. می‌توانم پشت در هر خانه‌ای، یک نامه‌ی عاشقانه با یک جعبه شکلات جا بگذارم و فرار کنم.

می‌توانم یک دسته گل بخرم و در خیابان به هر که برخوردم یکی از آن گلها را تقدیمش کنم... به بچه‌ای که از کنارم می‌گذرد، به آن مردی که گوشه‌ی خیابان پک‌های عمیق به سیگارش می‌زند، به آن از کوره در رفته‌ای که دارد فحش‌های رکیک می‌دهد...

عشق مرز ندارد عزیز جان، منحصر به یک نفر نیست... عشق را باید نثار همه چیز و همه کس کرد. وگرنه جهان بوی گند می‌گیرد.

اولین پاراگراف کتاب هنر عشق ورزیدن چنین است:

آیا عشق هنر است؟ اگر هنر باشد آیا به دانش و کوشش نیازمند است؟ آیا عشق احساسی مطبوع است که درک آن بستگی به بخت آدمی دارد، یعنی چیزی است که اگر بخت یاری کند، آدمی بدان «گرفتار» می‌شود؟ مباحث این کتاب کوچک مبتنی بر پرسش اول است، در صورتی که امروز بدون شک اکثر مردم به تعبیر دوم بیشتر معتقدند. فهرست مطالب کتاب هنر عشق ورزیدن عبارت است از:

پیشگفتار

آیا عشق ورزیدن هنر است؟

نظریه عشق

عشق و انحطاط آن در جامعه معاصر غرب

تمرین عشق

سخنی درباره نویسنده

قبل از مطالب اصلی، متنی کوتاه از پاراسلسوس در کتاب آمده است:

آن که هیچ نمی‌داند، به چیزی عشق نمی‌ورزد. آن که از عهده هیچ کاری بر نمی‌آید، هیچ نمی‌فهمد. آن که هیچ نمی‌فهمد، بی‌ارزش است. ولی آن که می‌فهمد؛ بی‌گمان عشق می‌ورزند، مشاهده می‌کند، می‌بیند... هرچه بیشتر دانش آدمی در چیزی ذاتی باشد، عشق بدان بزرگتر است... هر که فکر کند همه میوه‌ها در همان وقت می‌رسند که توت‌فرنگی، از انگور چیزی نمی‌داند.

کتاب هنر عشق ورزیدن را بخوانید تا مسئله‌ی وجود انسان را درک کنید، تا عشق پدر و مادر نسبت به فرزندان را درک کنید، تا معشوق را درک کنید و تا عشق به خود را در کنید. یکی از موضوعات مهم و متفاوت در مورد کتاب هنر

